

پیکار خونین فہم

فریاد مرگ بر شاه، هشنه بار آزادی سراسر میخوردند. میهن ما را به نزد راپوره داشتند. مردم ایران همه یک صدا خواهان نایابودی اشارة مرگ در پهلوی و حکومت جنایت و خیانت آنها هستند. مردم روز دیگر را تنشیگاهها برخاستند و از حیات مردم شمردند و ازدیدند و امروز بسیار دلیرانه اند. مردم قم همه شهروندان ای ایران را به قیام در راه آزادی و حفظ شرافت و حیثیت ملی ما، که بدست منشی ایاری استعمار و سلطنت ننگین، ه ساله به بازیجه گرفته شده است، شوری و ترغیب میکنند.

از آذرماه امسال شهر قم، که تا گذون بارها در راه آزادی ایران شهید راهه است، بعلت بیداد-  
لنی های حکومت خود را که شاه در مرکز مذهبی و  
حایاتی از مبارزه دانشجویان و مردم تهران و جهت  
همدان شدن با فریادهای دادخواهانه مردم ایران  
آن علیه تنگیری و چنایات روزیم سلطنتی پدر جوشون  
و خروش آزاد بخواهانه سپر میرده است. در نیمه  
دوم دیماه امسال این غلبان تولد ای رسانام  
دامان روزیم را گرفت و به صورت ظاهرات خشکنکننده  
اهالی قم، هجوم نموده خشنعتی سپوی مرکز پلیس  
و پانکها و پیکار چند ساعته با آن مکان و گاند و  
های حکومت سفراک پهلوی خود نشانی کرد. جوش و  
خرس آزاد بخواهی در قم هنگامی به نظره غلبان  
خود رسید که مطبوعات چیزهای خوار در برابر، که خود  
برای چالپلوسی چشم بهز و اصلاح طلبانه آزادی زنان  
و اصلاحات را میگردند، بنان لجن پاش و سروچ و بهنران  
به خسته و ایام را به طغیان، رلهانه، رهسا

هزار تن از مردم تهران و ریگ شهرها در خرد از  
خونین ۴ که با دادن هزاران شهید بر مشروطت  
کوکوم پیدا و عوامگیری اشاره پیلوی خط بطاطان  
کشیدند، گذاردند.  
تظاهرات خشکستانه، قم همانظر که انتظار می  
فت با حمله ازادی و آرکانکان یلیس و ارتش روسیه  
شد «آتا، بسته، شاه و نقد نکار حاجمه»

کشان و حسین‌آباد مردم بی‌سلام در ۱۶ سال پیش  
پیش از ۲ ساعت صفوی تظاهرکنگان را به گلزار  
بستند. پیش از مدت غرق و بنا به برخی اقوال نا...  
تن شهید و مدد‌ها تن زخمی و دستگیر شدند. روزی  
برای پنهان داشتن دسته‌ای خونین خود و دور  
کوکن از جلوی چشم مردم احساس سیاری از شهید  
را فرور به تهران می‌برد و نیا در کوکن الهای خارج شد  
دغ همکنند. سیاری از این شهد زخمیانه بود  
که با چاهک‌های از پسته، چمن، آلتان، گل و خا...

سب سپاهی و پیغمبری خود را پایان می‌خواهد و مردم سوچ  
هان اهدای را یگان آن بودند اور بیمارستانها نیز  
تحت کشتول جان سیرزندند. در بری کشتار قم،  
نمایان برداشت و تعامی مادرانه و مراکز مدنی  
هی زیر کشتول مأموران علی و مخفی روزیم گرفتندند.  
بهراء و به پیشانی از پیکار مردم قم فریادها  
اعترافی و تظاهرات سیاسی مردم در شهرهای تهران  
آن، اصفهان، تبریز، مشهد، اهواز و آبدان حکومت  
جنایتکار تهران و مأموران آذربایجان اسماهانی را در  
سراسیگی در جار تکرده است. مردم همه شهرها  
اعلاع یافته از خبر کشتار و حشیانه قم و شهید  
آزاد بینواهان آن شهر سخت به خشم آمده در تبریز  
اصفهان، شیراز و مشهد پیشنهاد و مصتمدان متفق  
زمھای خود را پشتانی اعتراض سنته و همه بازارهای  
تعطیل شدند. از قرار بازار تجفیف نیز بحال انتشار

پژوهش فشار مردم و غلبه بر وجود در مراکز مد  
هی در میان طلاق و تولد هنای که میتواند در روابط  
مذهبی نظرت خود را نسبت به سنگرهای حکومت  
شاه ابراز کند، بدین شکل های است زاری از  
جامعه روحانیت بزیان شاه و ارزو شفافیت پس از  
آمده روحانیت تعقیب است: چنانکه بالاترین مرادی  
مذهبی کیتا این زمان از حیاتی ضمیمه روزیم محمد  
رضاشانی و بقصد کوپیدن خیشی و پیروان او را  
خورد از بودند، ائمکن رهیختند ملام و از بخری لحد  
محظاگانه بعده از اغراض علیه جنایات روزیم بر قم  
علقاند: هام آن که همانند این اوقایق های

نشان میدهد که جگته و یا چه شناسی حکومت خود را  
کامه و دست نشانده سلطنتی همه تکیه کاهه‌ای  
احصای خود را در چریان برخانی که تمام پیرکار آنرا  
فراریخته بیکاری از در بیکاری از دست میدهد و باردا  
لت بین از پیش خود شرایط سرتکونی خود را بدست  
توانایی عولم ایران فراهم میکند.

طی ماههای اخیر درم قدر بای متن و سطح آزادی خواهاد و طی اجتماعات و نمایهای اشتراضی خود، که با درود فرستادن به شخصیت‌های آزادی خواهاد مدنی همیز خوشی و ابزار خشم و نفرت خود را شاه موز روز و حکومت دشمنان آزادی و ابادی امیرالیسم و صهیونیسم برگزار میکنند، بارها خواستهای بحقی را که مورث تایید همه مردم ایرانست، مطرح کردند اند. از جمله این خواستهای آزادی زند اینان سیاست و آزادی کسانی که در پاریز اسایی آنانه را شناخته‌اند و مردم تهران مستگیر شدند، بازگشت فروی خسینی به ایران، یا باران به وضعی گیریا و جنایات حکومت خود کامنه شاد و برقراری آزادیهای بیان، ظلم و غیره از جمله رفع تضییقات از مراکز مذهبی، اضعیت دست مردم ایران بیکاره و نو-گران و دلالان بیوی امیرالیسم و صهیونیسم از انتقام و جامعه ما بینند. (جوجو گذید به قطعه «نامه حزب علمیه» تم بخلاف مردم قم مانند فاطمه، مردم ایران از شاه و وزیر پرسیده و توهین آمسیز سلطنت شفیرند و پر عکس پرهیز مخالف مد ارجمندی تهران، که اگاهانه چشم خود را نسبت به تناثرات درون قاتن اساسی مشروطه بسته‌اند، به سلطنت این اوریجه حیرکن و ننگکن آر قرون، که افزاری در دست استئصال برگانه است، وقعنی نیمی ازند. در این میان طلاق و عطاچان آزادیخواه قم که همراه و در پیشاپیش مردم حرکت کرده باعلی خود نشان دادند گک من-توانند و باید در صوفی دموکراتیسم ایران کام برآرند و با خلق محروم خود که خواهان رهافی از این زیرزم و زیخت است هم آورند. پیکار خونین شم و معن تظاهرات‌های سیاسی و

پیکار خونین قم فریاد مرکز بر شاه، «زند باد آزادی»، سراسر پیش مار را به لرزه درآورد است. مردم ایران همه یکه صدا خواهان نابودی اشاره مرد پهلوی و حکومت جنایت و خیانت آنها هستند. «مرور زد — شناختهای برخاستهند و از میان مردم برخوردار ازشدند و امروز پیکار دلیرانه مردم قم همه شهرهای عده» ایران را به قام در راه آزادی و حفظ شرافت و حیثیت طی مار، که بدست منتهی امدادی استعمال و سلطنت ننگین، همه ساله به بازیجهد گرفته نده است، تشوق و ترغیب میکند.

از آذرباهام اسلام شهر قم، که تا کنون بارها در راه آزادی ایران شهد راه است، بسط بیداده اند لئن های حکومت خود کامه شاه در مراکز مذهبی و به حمایت از مبارزه اند انجویان و مردم تهران و جهت همچنان در فریادهای داد خواهانه مردم ایران علیه سخنگیران و جنایات زرمی سلطنتی، در جوش و خوش آزادی خواهانه پسر زیرمه است. در نیمه دوم پیام اسلام اول این غلایان تولدیه سرانجام را مان زرم را گرفت و بمحروم تظاهرات خشکنیانه اهالی قم، هجوم شد «خشکنیک سوسی مرد پلیس و بانکها و پیکار چند ساعته با آدمکشان کشاند و های حکومت سفاق پهلوی خود شناسی کرد. جوش و خوش آزادی خواهانه در قم هنگامی به نقطه «بلسان خود رسید که مطبوعات جیوه خوار دربار آنکه خود را برای چالوسی چشمیه خوار دربار، آزادی زبان.

و اصلاحات ارضی» که ای شاهان سفاق پهلوی انداده میکردند، بنای لجن یا شنیان، و سراغه بشان را به خدمت مار این امداده طلبان. ولدانه رهبا

مطهیل بازار در شهرهای مختلف در ۱۴ سال که  
نه ساخته نداشتند است. پندار روزی شکجه و اعدام  
بلوچی که گمان میبرید پشیوه خود را خوشین و با تکرار  
در قلم قاتر بر برگرداندن ورق تاریخ پنځون خویش  
نمیستند پسندار پوچ و احتمانهای است. شراطیت کمالهای  
شراطیت اوپر خبر برخان در سال ۴۲، گه خروج ضد-  
نقابیان را بر جامعه مانتهی نمودند، هفاقت دارد، این  
زهه اتفاق آغاز کار است و تحول برخان گونی بیک برخان  
نقابیان اجتناب تابه بر میانشد. تنها طبقه کارگر  
برخان قاتر به حد ایتم مردم به یک خروج انقلابی  
برخان گونی است، و این امکان دارد تنها زمام  
بگیر اولاً شرایط گونی پی بردن و با وجودت  
خطیر بودن شرایط گونی همچنان که این بودند و با وجودت  
مود عرب طبقه کارگر، حزب گونیت ایران، روابط  
مود اوردن؛ تایبا دهستان، فراموش شدند و بیان  
طبقه کارگر انقلابی بدرا مبارزات حاد سیاسی و  
نیافراغی نقش قاطع خود هایت می‌شوند؛ ثانیاً اهرگونه  
ازشی و تغصهای مد ارجویش را در این میان گه از  
سوی بوروازی مصالحه چو طرح و توسيع رویزیونیست  
ایرانیونیستها نوجیه باطلخان تغوریک بشود، خط  
ناصل روشون گشیده شود.

ضروری ترین و فوری ترین خواست سیاسی این  
مرحله از مبارزه طبقه کارگر و مردم ایران سرنگونی  
حکومت سفال و دست نشانده شاه و استقرار یکه روزی  
همهوری در مکانیک، خلقی و مستقل از استعما  
گیانکارکنند است، خواستی که تمامی سیاستگذاری اینها  
می‌سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دروانی و احساسی  
معده جامعه ۳۵ میلیونی ما آنرا تغایر می‌گشند و  
می‌طبیلند، و از هر حافظ امکان آنرا دارد که آن را  
به زیر پشیوه قیاگرکن تبریزی در تختستن انقلاب  
ایران بدست آورند.

درود به مردم دلیر و آزار بخواه قم و شنبه‌ای  
نهiran آن !

درود به مردم همه شهرهای که به همراهی و  
بسیاری از قم خوین بخواهند !

اگر بتوان به آن اسم سخنرانی اطلالی کرد چه بیشتر  
به شو (روضه‌های را گویا کنید) - «حقیقت» تراوی  
بیرونی شمیه بود تا سخنرانی. دیگر سخنرانی  
مأیوس کنده «سالندی بود درباره» نیه روشنگر

و «نیه هتریند» که با کسانی چون خانم گوکوش به  
بلیک پرداخته بود (؟) . فریدون تنکابنی به  
خواندن یکی از استانی‌ها حسود پرداخت - دا -  
ستانی طنز امیز با انتقادهای مطبخی. تنها نیکه  
مشت خواندن این داستان خود علی‌خواندن آن  
بود (زیرا گویا داستانی بود که اجازه چاپ  
در رافت نکرده بود) . والا خود داستان حساؤی  
طلب‌دانه اشکنی نبود. سخنرانی‌های دیگر توسط  
سینم داشتند درباره رئالیسم در ادبیات: محسن  
آل احمد درباره «سازنده و باقر و می ایضا سانسور

و ازرات آن در رکود فرهنگی بودند. دو سخنرانی  
آخر بیشتر جذب افتکاران داشت و گوش‌مایی از  
اختناق در زمینه، فرهنگ را نشان میداد. سخنرانی  
موزنی با درقت و منجذب‌گی تنظیم شده بودند رایج‌بود.  
حصت بر سر بیش سیاسی - ایده‌لولویک سخنران  
نیست (و سعی کرده بود که با استفاده از یک فر  
یه تاریخی مربوطه زمان شهروطیت را موردن ارزادی  
تش و بیان و نسبت‌فضلی را حجم نمایاد که مثلاً مرس  
تجھیم آن زمان برای محدود کردن و تحطیل آزادی  
دی به هم‌گیرانی و «زلایلی» یا بهتر گوییم  
ستک‌هایی مثل مولتیپلیکاتور و جگونه‌هایی از کدست  
۲۰ سال درستگاه سانسور و دولت مربوطه همان  
کافی ها را غیرقهی می‌کند.

محسون اشتمن زاده (به آذین) ) و هوت-نگ  
گشته‌ی هم در شیوه آخر صحبت کردند و هر یکی  
نویی را رواج از این شیوه سعیمندی اراده دادند  
نمط به آذین درباره «ازداری» و «ارائه» زیه‌های  
فرمودنی در این باره بود نیز کوشش او هر رفعت این  
امر بود که هردم را به حرف مندوخت و قول نصایح  
هشیش، مدبره کانون قاتی سازد، صحت روش خود -  
شان را نشان دهد و آنرا به مردم نیز «القا» و توحیل

حال که صحیبت از مضمون سخنرانی هاست در این باره نظری کلی بدھم.  
عطا طور که فیلا گفتند در موادی سخنرانی های ایران شده بدن یک حقوقی و مضمون حقوقی  
(برای شرایط فعلی) بود و بسته به برگویش ای رونکارانه میرفت و در موادی دیگر این سخنرانی های  
با صحیبت ها، نتیجه به دادن شعراهای حجده و مسکدید و گاه از محتوى تهی بود. علیه این امر در  
عدم وجود یک رونمانی روشن و واحد اعضا و رهبری  
آن کاتون شرعا و نویسنده اگان در مرور اوضاع گذشتی  
و حرکت اخیر خود شان است. علت خود این امر در  
بعنی نداشتن یک چنین درونمعنی را تبیان پایدار نشی  
از موضع ایدئولوژیک و طبقناهیگان اعضا کاتون  
دانست، که بعد خواهیم بود. ولی در شرایط  
فعلی اکن روزی بسبب عقید ترکیه بدن بحران سیاسی  
- اقتصادی و نشیدند تضاده ایشان از یکسو و همراهانش  
اوپوگری ناراضی ها و مازرات مردم و بعضی فاکتورها  
های بین (الله) ملا تطبیق خود با سیاست جدید است  
اصدی بالیسم (آمریکا) از سوی دیگر، مجبور به بعضی  
عقب شنی های سیاسی محدود و انجام مانورهای  
در زمینه آزادی پایه اجتماعی، گردیده است و ملا از  
برگزاری یک چنین شب هایی طور رسمی جلوگیری  
نمیکند، «مضمن و محتوا این گونه سخنرانی ها چه

باید پاشید  
این نکه حائز اهمیت است، زیرا در صورت نا-  
روشن بودن آن اینکه حرکات فقط به تلو تلو خود  
رنهاي باه هد تدبیل میگردد. مخمن آن در شری  
ایط غلی بايد در ارادی و جذبه باشد ۱- تشریم  
و توضیم و شناساندن فرهنگ طی و مردم (خلخال)  
خصوصیات و اهد آن اهمیت و اثرات آن در زندگی  
جامعه وغیره ۲- تشریم و تحلیل از فرهنگ ضد طبیعت  
وارد آنی و امیری بالستی، این در جهی که با یکدیگر  
موبوط هستند ماده خام کافی، و سینه های وسیعی  
اختیار میکارد. از جایز بیکار با بحث در اطراف  
این دو محور و استه بیکار یکی، زمینه «ماناسی»، برای  
اشارکنی در این بورد را نیز بدست میدهد. شلا-  
اینکه چونه شنوی و نفوذ فرهنگ ارجمند، امیری-  
لیستی مناظر است با تحدید و سرکوب فرهنگ طی و  
مردم، اینکه آن شنوی و این تحدید و سرکوب  
شام و سایری که روزیم در اختیار اراده بخونجه کسانی  
است و چونه امیری بالستم از آن بهره گیری میکنم  
جذبه محب احترام و فرهنگ جامعه است، باز این

ین تجمع سایکر و اقتصنی آشنا و سیار مم است  
بن امر شناسان افراد کامل زیرزم و گویای آست کد  
زیرزم مظاهم در بن سیاست سیاسی و اندیلویلریز قرار  
ازد و دادر نسبت همچونه آنرا تایو اندیلویلریک و  
سیاسی ارایه دهد. از جانب دیگر این امر شناسه  
آشنا و غلطگی و غلطگی مودم ( و در این مرور عددا روز  
نفتگران ) به تغییر وضع موجود است. انتقامی از  
حالفات آشناها با این پرسیست است: با آنهاک از هر کجا  
لذتگاهی هر خذدر گوییم و از هر سرکی که با منظره  
و حد فی ایجاد شده باشد: همانها باین شرط که اس  
استفاده مکنند. این نکته خود دارای چنین دروس  
کائانی است که در طی این نامه آن اشاره میور  
در طی این شنبه هر شبیت که با دو سخنواری  
ایراد میند: و بقیه شب هم شعر خوانی میگذشت  
شعرها اغلب بمحاج و تمحاجی بودند چه آهنگی کد

از بین و پیچ بودند و جه آشایی که در ظاهر  
نمک از مطلع از کلمات گند و دهن برکن «سر روز و شب  
و اختلاط وغیره، گاشاه، و بندرت شعر خوبی‌ی  
محوانه بشد و بهر صورت مردم شعرها را تحمل  
میکردند و بینتر بد سخنرانی‌ها توجه داشتند و البته  
سخن از همه و هر چیز فضای این شبیان مهم  
بود. و اما در مرود سخنرانی‌ها هم چرچند مور  
بود. و چند دست کی از شعرهای قلابی نداشتند، از جمله  
بود سخنرانی و در حقیق کلی باقی های اپرا برها  
و فضل فوشی‌های داریوش آشوری که در مرود شمع  
سخن میگفت بدین آنکه هیچ بحث شخصی در مرود  
شعر گند و یا معیاری از شعر خوب و بد، منطقی  
ارتجاعی بودند - سخنرانی‌اش بینتر به انشا  
های جمجمه‌ای در رسیده می‌باشد که با آن جمله معر  
وف «بر هم کن واضح و مهرهن است که... شعر  
میشود و مطلع از حملاتی کیشیانی است که برای تما

اشاهها کارکرده بودند و پیغمبر مسخرخانی محمد علی بهمی  
بود که درباره فردوسی و سعدی و مسنات آندریه  
و غیره حسبت میکرد و اثکار خیال کرد که بود سرگلای  
مثل از شنیده ادبیات حسبت میکند و بالاخره ب  
برچاکی قالی خسینی مردم را لک کرد و نیشجه  
کلکشن این بود که تصریح ایران در تمام ادرا  
مردمی (خلقی) بوده اند و بمندرج شاعر چاپلیو  
و درباری یافته نموده است (جلل الحالی) ۱- مسخرخانی  
این این خود داستانی را در که بعد ادسان باز  
میکردند و پیغمبر مسخرخانی اسلام کاظمیه بود، والت

است هنگامیکه مرد با همان "تثویق" های تندک را آیند، خواستند بگوییم مترانه به مهد نهادند که حاضر به شنیدن چون زنای اینشان نیستند و خواستار سخنرانیها و مطالعی در رابطه با مسائل روز (سائل فرهنگی وغیره) هستند و هرچند بسرازی برگزاری این شنای و بخصوص فقط فضای آن حاضر پنهان بعضی چیزها هستند ولی هنر تا این حد مرد دیگر همان شروع به ترک حل و هوگردانی بود که رپا از آن سخن وقت که عکس العملی بسیار سریع و مستحبه بود و مرد نشان دادند که حاضر نیستند که این تجمع ها مبدل به جلسات شعرخوانی صرف نشود، بخصوص کوشش‌های لفاظی هشت مدیره برطیعه عدم رعایت حدود معقوق و مقول (حتماً حد و دلیل که روزیم را بحشت نیاند ازد) بود. نمونه‌های بسیاری از این عکس العمل ها در طی این شنای دیده شد که ما بینین بمنه میکیم. بخلاف با هر کس در این مرد گفتگو میکردی بدند قاطعه‌تکای- نون و مواضع رفرمیست بسیاری از آن ایجاد راشنند. سوم تحمل و بخوبی نسبی ای بود که مرد از خود نشان دادند و این علی‌عین نصائح بدررساله از شنای بعضی جون به آذین و شنیده های وقیحانه است. بعضی دیگر (اسلام کاظمی)، مرد نشان دادند که با وجود مخالفت‌های این شنای و شنیدن و شنیدن برای ادامه یافتن این شنای و شنیدن برگزارکنند گران آن حاضر بسکاری و شنیدن از این حرکت هستند. البته در این مرد نکات قابل تذکر دیگری نیز هست، از جمله رشد ناگفای سیاسی بعضی ها که

د هند در واقع از نظر مردم رسیت خواهند یافت  
همین تجمع های ۱-۰-۷ هزار تنی در طی این  
مدت موید همین امر است . البته آنها به وجود  
مردم و نیروی آنها تأکید دارند و اینها نیز طبق  
سخنواری ها از آن صحبت را شنیدند لیکن آنها  
بیشتر از آنکه به این نیروی تکیه کنند ، از آن برای پنهان  
پیش قدرت و مانور در مقابل رزمی استفاده می کنند  
کاتون نیزه نیکنند که دست یافتن باین هدف بعنوان  
رسیت یافتن «خت این شکل» یعنی با تقاضا  
رزمی «تازه چنانچه مواد پدیده رود» مسلم همراه است  
محدود کردن کانون و فعالیت های آن در چارچوب  
آن است که رزمی برای آن معین میکند و نفوذ در  
باز هم پیشتر عوامل رزمی در درون کانون را بدنبال  
خواهد داشت . از جانب دیگر انتخاب این هدف  
پایان شکلی که از آن سخن وقت اخراجی است، زیرا  
نهن در مر را در شناساندن قدرت و اقتدار شناخت  
محض میساز و ملاعنه کرده و قربت هدف  
است زیرا این تصریح را القا میکند که راه رسیت  
یافتن چنین است و نیز اینکه چنانچه ملا رزمی کانون را  
را رسیت پیشنهاد ، زندگی کانون را دیگر تائین اسما  
و گوی رزمی به تمهیدات خود را بدل است . آنها  
تعیینند یا خواهند بینند که اگر رزمی در حال  
حاضر وجود جهان جماعتی را تحمل میکند تنهای  
روابطه با فشارها بایست که عدالت باطلست  
سیاسی . اتصادی باوار و ملود و این فشار تبریز  
عدالت از جهات مردم میگرد و چنانچه مشت  
علت آن ازین بین مردم و رزمی بتواند به وضع خود سر  
سامانی دهد و از بحران گذشت سالم بجهد اراده پیشبر  
هزجتکه نمهد و رسیت یافتن باند ازه پیشبر  
برایش ازین ندارد و سایر این هیچ چنانچه آنها  
دانند . این اتفاق از نظر مردم رسیت خواهند یافت

تلخ سانسور و مستکاهای دیگر چگونه در خدمت  
چنین اهدافی هستند . روشن است که بحث ما در  
اینجا بر سر مضمون است و نه شیوه عنوان کردن آن  
که خود مطلبی دیگر است . و بدینه است که باید  
در ترتیب حاضر شیوه نسبات بین انتخاب گردید .  
در اینجا به بحث درباره این موضوع نیز پردازیم ،  
معنده از کروکدیل ضروریست اول آنکه بیان مطابق  
لبخک نهایتاً با در این شعارهای توخالی ( هرجمند  
که در ظاهر از آن استقبال هم بشود ) میسر نیست  
و شاغر توسعه دارد باید طالب خود را بطور شخصی  
و مطعون با ارائه تحلیل های لازم عنوان کند . تمار  
در این نتها ( آنهم شعارهای بی محتوا ) به ارتقاء  
اکاهی شوندگان بازی چندانی غیرمساند و رهیافت  
دل آنها را خنک میکند ، یا اثرات تبییجی کنایه دارد .  
شارد روزت و بجا های محتوا و بجا های ارتباطی  
ارتباط با نیازهای وقت باشد سیار خوبست پتریطیک  
با تحلیل و توضیح همراه باشد . در چنین شرایطی  
طرح این شعارهای اثرات پسیح کننده نیز رارد . به  
عنوان نمونه طرح شعار لغو سانسور از طرفی روابطه  
است با طالبی که قبلاً تحت عنوان فرهنگ نلخی و  
فرهنگ ارجاعی طرح کردیم ، از جانب دیگر خوا  
ست مشخص است و بالاخره آنکه افتکارهای و پیغام  
کننده نیز هست . البته این شعار بد فعات تحت  
عنوان مخفتف در طی این شب ها طرح گردید ولی  
تکوهای کمال از این راه نیست . نکته دیگر آنکه طری  
اینگونه سائل زیور نماید بشکل کمال تجدیدی باشد ،  
که بهتر است همراه با نمونهها و مثالهای  
النجام کیرد ! موادن بنی دستان خوب با مقاله ای  
جای اشتناساند و بعثت در مورد غلان سیله در این  
بیانات و رابطه ای که بر فرهنگ و جامعه وغیره در این

اور ایضاً می تند و مارنند بہرہ صورت زیرین موردن داد  
آشناجاتی درج گوئ سپران (مثلاً یارک شہر) راهنم  
نظر کرنے پوند ولی موافق یہ کسب نہ آن شدند، هبھی  
گونه توضیحی برای مردم نہ آمد، انتخاب این حل  
نیز خود بین را بطیه کاریں آئی انسٹیتیوشن  
یکی دیگران بینیه کردند، ریزیونیستی  
رسبری کائنون گراپیان بد مدد و درکار ن مردم در جاری  
چوب قانون اساسی است، رسبری کائنون سالانہ را از  
آن زایدہ نمیستد که بعض از ارادت افراد خود را در جاری  
چوب قانون اساسی علی سازد و آن بنعنوان حرمه  
ای برای افتخار زیم بہرہ برد اری کند ملک بایس  
گراپیان درکار که اساساً جانشینی فکری را در جاری چوب قانون  
اساسی زندگانی کند (مانظیر که روشن مدار اوصاصات  
خود را نمیخواهند) بہرہ مردم تحمیل کند، نکته و تأکید  
بین ازاند ازه سعی از سختن انان در طبع این شہما  
بروی قانون اساسی را در گیرنیتیوشن بے استفاده از لیک  
ناکلیک تعییر کرد، قسمت مهمی از همان "متو" اسلام  
کاظمیه که ذکر کن رفت بہ تلاوت آیاتی "از قساوی ن  
اساسی و لعلیمه" جهانی حقوق پشتراخ تصامیم داشت  
و جالبترینکه خود ش از این روضه خوانی بکریه افتد  
شوخی نیکم، واقعیان ای کریہ کردن در آزاد و این  
امروزیت وان پايدار الفاء" طرز تکنیکو جاری چوب فکری خود  
بے شنوند کان نہ بشند، و باها کلیک باقی رفیع من دن بیان  
سندریان امن نقل فولی ای صوراً ساراً غلیل آور کرد، با پنج  
آهنن قانون اساسی ... باید برساستبد اکوفت  
در روز از زیرین حال خود محسن یکیکت و مدد مردم را هانت  
میداد، این امر در خود رونجہ است.

لی برسی این حرکت در سطح مردم بمراتب  
جالبتر و آموخته شر بود .  
اول آنکه مردم ( روشنگران ) حاضر با استقبال  
و سعی و پژوهش خود نه تنها مhalt خود را پایه وضعیت  
موجود نشان دادند ، بلکه آماری خود را پس از  
تغییر آن نیز نشان مودود نه تجمع مردم و اظهار  
علقای و استقلال آنان را در حالیکه زیست در این  
مرد تغییر با نوطله کوتک مقول شده بود و همچنین  
مان با آن برname های "هنری" و "جهشیانی با صلحان  
فرهنگی تحت رنج و بایکن روزی جهان داشت و با  
بوق و کربنا در مرد آنها تبلیغات دانه را راه  
انداخته بود پیچیز نمیتوان نعمیر کرد مگر نشرت  
مردم از زیست و خواست آنها برای تغییر ریشه ای وضع  
موجود .  
دوم آنکه در طی این شبها ، مردم به رغم آنکه فقط  
شونده بودند و بینابر اخوان موضع و اظهار نظر  
از جانب آنها میسر نبود ولی با عکس العمل های خود  
بروشنی نشان دادند که چگونه در مجموع از رهیسان  
کانون سپی فراز و راد بکال تر هستند . مردم باشندو  
نقی های تأثیر آنها و با "شمیق" های تکب آپیز  
( اینهم در اینجا یکچوشه ) نشان میدادند که  
در ازای خواسته ای و موضعی بمراتب برشتابی تر و باراد  
بکال تر از گردانه کان ای و بسیار هستند . آنچه

در این بورد مفید باشد.  
در یکی از شب ها (گویا شب چهارم)، «علمایمه» از طرف هشت مدیر «کانون فراترین شهروند که مبنی بر آن، از آنهاکه بعضی از سخنرانان شهربانی قبل معمول معقول رعایت نکرده اند» (علاوه بر اینهایی که نهاده اند) اشاره کردند (سازور) پناهبرانه سخنرانی خود میگردند. این عمل بلا فاصله با عکس العمل سر جمعی وسیع حضرا و اعراض آنان روپرتوش پنهان نموده بکسر و بفتح آنها در شرایط غلط است.  
این عدم وجود در ورزش با وجود در ورزش رفاقتی و روپرتویستی، اول مخصوص سخنرانی ها (که از آن محبت شد) در طرح شعارها و اهداف و غیره تبلور میباشد. بعنوان نمونه یکی از اهداف مهم (و گاه همترین هدف) کانون، کوشش در نشاناساندن کانون به دولت و سیاست یافتن آن از جانب سلطنت است. این هدف که میتواند بعنوان هدفی کاملاً درجه یافته و تعبیه شوندگانی بکار گرفته شود، هرگاه بدیگر از اهداف مهم که گروه فعالیت-های کانون یا یاد حول تحقیق آن صورت پذیرد میشود. که در اینجا مذکور گردید، کاملاً فرمیستی و در معین حال منحرف گنده و قریب به هنده میگردید. نیزه این امر بعثتی نندیدن نیزی مردمی که از این حرکت شجاعی میگذرد و چشم دوختن به اطاف زیم است. آنها گواهی میبخینند با نیخواهند بینندگ که رسیدت یافتن کانون تنها و تنها توسط مرد انجام میگیرد و چنانچه بتوانند در حمله و ده وظایف خود درسته. به ترازهای اولیه، سامست